حسین قریبی، سفیر پیشین و صاحبنظر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «ایران»:

# آمریکا برای مذاکره جدی نیست

گفت و گو

**مریم سالاری- دبیر گروه دیپلماسی/** در شرایطی که صحنه سیاست خارجی ایران زیر سایه تحولات پرشتاب هسته‌ای و پیامدهای برآمده از فعال‌سازی اسنپ بک قرار دارد، تهران می‌کوشد به سیاستی سنجیده با عنوان «صبر استراتژیک» روی آورد؛ سیاستی که به تعبیر حسین قریبی، سفیر پیشین در برزیل حاصل درکی پیچیده از واقعیت‌های نظام بین‌الملل و تغییر موازنه قدرت میان شرق و غرب است. او معتقد است تهران در حال بازتعریف جایگاه خود در معادلات جدید جهانی است. چه، هر اقدام شتاب زده می‌تواند بازی در زمین واشنگتن و متحدانش باشد. در سوی مقابل نیز دولت ترامپ، در برابر تهران سیاستی از جنس سکوت در پیش گرفته است که هنوز روشن نیست حاصل فرسایش دیپلماسی آمریکایی در بحران‌های همزمان اوکراین، غزه و شرق آسیاست یا بخشی از یک تاکتیک برای آزمودن واکنش ایران. این وضعیت دوگانه، گفت‌وگو با قریبی را به فرصتی برای فهم ابعاد تصمیم‌سازی در تهران و کاخ سفید بدل می‌کند.

**به نظر می‌رسد کشورمان در واکنش به تحولات اخیر در نسبت با کشورهای غربی و پرونده هسته‌ای بویژه ذیل فعال شدن اسنپ بک، رویکرد صبر استراتژیک را در پیش گرفته است. نظر شما درباره این انگاره چیست؟**

به‌صورت کلی در مرحله پیش از مذاکرات بین طرف‌های مذاکراتی، یک مقدمه و زمینه بسیار مهم به قول ویلیام زارتمن، نظریه پرداز روابط بین‌الملل، بلوغ شرایط قبل از مذاکره بین آنهاست. آنگونه که از صحبت‌های وزیر امور خارجه و دبیر شورای عالی امنیت ملی بر می‌آید، چنین بلوغی اکنون در طرف آمریکایی دیده نمی‌شود.

اینکه می‌گویند به سیگنال‌های تهران برای مذاکره در زمینه اهداف قابل حصول پاسخ مناسبی داده نشده، حاکی از این است که آمریکا به زعم خود به دنبال فراهم کردن زمینه‌های رسیدن به نتایج حداکثری است. شروط بسیار سختگیرانه و غیرقابل قبول واشنگتن که مشخص نیست از قبل از جنگ ۱۲ روزه وجود داشته ولی پنهانکاری می‌کردند یا اینکه متعاقباً به‌عنوان خطوط قرمز دولت ترامپ معرفی شدند، همان علامت عدم بلوغ طرف آمریکایی برای مذاکرات معنادار با ایران است. در این شرایط دولت ترامپ ظاهراً هنوز آلترناتیوهایی را تصور می‌کند که بهتر از چهارچوب کلی مبادله شده بین دکتر عراقچی و استیو ویتکاف در بهار امسال باشد. تا زمانی که این انتظار غیرواقعی وجود داشته باشد، طبیعتاً به بلوغ کافی برای مشارکت در مذاکره معنادار نرسیده‌اند.

**این رویکرد تا کجا می‌تواند ادامه یابد و چه مؤلفه‌هایی این استراتژی را تعریف می‌کند؟**

وجود چنین شرایط ایستایی در مذاکرات بین‌المللی امری است که معمولاً به درجات مختلف اتفاق می‌افتد. من آن را راهبرد انتخابی از سوی ایران نمی‌دانم بلکه معتقدم موقعیتی ناشی از جبر شرایط است. مطمئناً اگر شرایط فراهم شود، این دوره موقتی پایان می‌یابد. ظرفیت مدیریت وضعیت داخلی کشور بویژه اقتصادی، دفاعی و سیاسی از این سو، و ارزیابی مجدد واشنگتن از تحقق پذیری اهداف ذهنی سیاستمداران و شخص ترامپ از سوی دیگر دو عامل مهم تعیین کننده در تداوم این شرایط هستند .

**آیا این «ایستایی» در شرایط کنونی می‌تواند به معنای انفعال در دیپلماسی تعریف شود یا نوعی بازتعریف زمان و زمین بازی از سوی ایران است؟**

> کماکان نیاز هست حل مسائل مربوط به تحریم‌ها در اولویت قرار داشته باشند و به‌صورت حداکثری با همه بازیگرانی که ظرفیت نقش‌آفرینی در این زمینه دارند، در تماس باشیم. حوزه تعامل و دیپلماسی محدود نباشد و از همه ظرفیتها به نحو مناسب استفاده شود

نکته اصلی دقیقاً همین جاست که در این دوره تعلیق روند قبلی، نباید تلاش‌ها منقطع شود و به بازیگرانی نیاز داریم که تمایل دارند به هر دلیل و انگیزه‌ای نقش آفرینی کنند، اجازه دهیم رایزنی‌های خود را دنبال کنند و به‌صورت مستمر برای آنها منافع پرهیز از بحران نظامی و حل مشکل از طریق دیپلماسی تبیین شود. هیچ طرفی بدون وجود ابتکارات جدید نمی‌تواند صرفاً منتظر شکسته شدن بن‌بست از سوی طرف مقابل باشد.

بلکه بازی احتمالی یک سر برد، یک سر باخت به گونه‌ای بازتعریف شود که برنده-بازنده نداشته باشیم. این چیزی است که فعلاً تیم ترامپ دنبال می‌کند. هنر اصلی در هر مذاکره این است که دو طرف بتوانند به اصطلاح نتایج حاصله را به قیمت خوب بفروشند. بعد از یک دوره فشرده رایزنی‌ها در ایام مجمع عمومی در نیویورک، نیاز هست که این تلاش‌ها با همان قدرت و تراکم تداوم پیدا کند.

**از طرف دیگر این دیدگاه مطرح است که دولت ترامپ نیز در قبال ایران سیاست سکوت را در پیش گرفته است. این سیاست در قبال ایران تا چه اندازه ناشی از مشغولیت در پرونده غزه است و تا چه حد یک تاکتیک دیپلماتیک؟**

دولت ترامپ کم گرفتاری در همه صحنه‌ها در داخل و خارج برای خود ایجاد نکرده است و البته تیم ترامپ و شخص وی نشان داده‌اند که ظرفیت درگیر شدن در مدیریت موضوعات مختلف به‌صورت همزمان را هم دارند. فرصت برای دیپلماسی نباید معطوف به هیچ رویداد، روند، شرط و موقعیت زمانی باشد. حتی کانالها هم می‌توانند به‌صورت مدیریت شده، متنوع باشند. به هر حال بین دو نقطه در دو سر طیف، گزینه‌های بیشماری وجود دارد که قابلیت کار دارند و شاید بتوانند فصل مشترکی برای طرفین مذاکرات خلق کنند. با اینکه همین فعال نگهداشتن روند دیپلماسی، خودش بخشی از سیاست حفظ همراهی حداکثری مردم با دولت است. مردم ما تسلیم زیاده خواهی نمی‌شوند ولی از سوی دیگر از مذاکره کنندگان هم توقع ابتکار و تحرک حداکثری دارند که چنین هم هست .

**زمینه‌هایی که می‌توان ابتکاراتی را برای گره گشایی از وضعیت جاری تعریف کرد، چطور می‌بینید؟**

نیاز هست که با جدیت و با همان انگیزه هفته‌های گذشته، رایزنی‌ها و گفت‌وگوها در سطوح و کانالهای متعدد دنبال شوند. در حوزه سیاست خارجی موضوعات متنوع زیادی هست که بعضاً این قابلیت را دارند که بخش زیادی از توان دستگاه دیپلماسی را به خود معطوف کنند. کماکان نیاز هست حل مسائل مربوط به تحریم‌ها در اولویت قرار داشته باشند و به‌صورت حداکثری با همه بازیگرانی که ظرفیت نقش آفرینی در این زمینه رادارند، در تماس باشیم. حوزه تعامل و دیپلماسی محدود نباشد و از همه ظرفیتها به نحو مناسب استفاده شود. انتخاب کشور و مسئولین دولت، بویژه تیم حرفه‌ای و مجرب دست‌اندرکار مذاکرات، انفعال و حتی کم تحرکی نبوده و نیست. هر گام مضاعفی که برداشته شود احتمال تحقق اهداف مدنظر هم بیشتر می‌شود.

**آیا ایالات متحده عمداً به دنبال فرسایشی کردن روند تصمیم‌گیری ایران است تا هزینه‌های صبر استراتژیک را بالا ببرد؟**

اینکه این تأخیر ناشی از سیاست عامدانه فرسایشی کردن مذاکرات است یا چیز دیگر، قدری مبهم است.

اظهارات متناقضی شنیده می‌شود: از یک سو دائم دعوت به مذاکره می‌کنند و از سوی دیگر همان گونه که بیان شد، جدیتی در این خصوص در آنها دیده نمی‌شود.

اصولاً اینکه نتیجه مدنظر خودشان از مذاکره را پیش تر مشخص و اعلام کنند، خودش بهترین دلیل برای عدم جدیت و بلوغ هست. با فضاسازی‌های رسانه‌ای که انجام می‌دهند و البته به‌صورت هدفمند سعی در تأثیرگذاری بر افکار عمومی در داخل کشور را دارند، حتماً به دنبال افزایش هزینه برای ایران هستند ولی در نهایت آنها هم هزینه و ریسک عدم توافق را بخوبی می‌دانند و گزینه مورد علاقه‌شان نیست. ایران به ابتکارات معقول جواب متناسب می‌دهد ولی نمی‌توان آن را به تسلیم واداشت؛ این مسأله‌ای است که آمریکایی‌ها نباید از نظر دور داشته باشند.

**تجربه ایران در دوره‌های پیشین تحریم چه تفاوتی با وضعیت کنونی دارد و چه درسی برای استراتژی کنونی می‌توان گرفت؟**

برش

یکی از مهم‌ترین ملاک‌های اصلی، شاخص درآمد سرانه است. این شاخص تفسیربردار نیست و میزان برخورداری مردم و توان آنها را به دقت تعریف می‌کند. باید ببینیم که این شاخص نسبت به قبل تغییر کرده یا خیر. درس‌هایی هست که کمتر فراگرفته می‌شوند. برخی موارد مانند واگذاری اقتصاد به مردم، بارها هم از سوی مسئولین عالیرتبه نظام و هم اسناد بالادستی کشور مورد تأکید قرار گرفته ولی روی زمین عملاً نه تنها پیشرفتی رخ نمی‌دهد که بعضاً حرکت عکس هم داریم. وقتی باید روند اصیلی آغاز شود، برخی می‌گویند که در شرایط فعلی، زمان مناسب برای کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد نیست. اتفاقاً در شرایط تحریم بویژه شرایط جدید، باید به مردم و بخش خصوصی اعتماد کرد. واگذاری‌ها به بخش خصوصی به‌صورت معناداری و در قالب یک جدول زمانی تسریع شود. کارمند دولت یا نهادهای عمومی نمی‌تواند موتور حرکت اقتصاد باشد و این نیاز به اثبات ندارد. بخش خصوصی هم خودش سرمایه دارد و هم قادر به جلب اعتماد و جذب سرمایه‌های در دست مردم است. اجازه بدهیم مردم میدان‌دار شوند. پتانسیل عظیمی را تحت فشار قرار داده‌ایم که اگر آزاد شود قادر به تغییر جدی شرایط است.


# آگهی مزایده عمومی فروش سهام

بانک رفاه کارگران
REFAH KARGARAN BANK

## شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس

**شماره ۱۴۰۴/۰۲**

**مجموعه بانک رفاه کارگران** در نظر دارد نسبت به‌فروش **۱۰۰ درصد سهام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس به تعداد ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سهم به ارزش ۱۹،۸۷۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال** از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید. متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، رو به روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند.
(شماره تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰).

**شرایط شرکت در مزایده:**

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به‌شرح جدول ذیل به‌اطلاع متقاضیان می‌رسد.

مبالغ به ریال

| نام شرکت | سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس |
|---|---|
| سرمایه ثبت شده | ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ |
| تعداد سهام قابل واگذاری | ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ |
| قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری | ۱۹،۸۷۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ |
| مبلغ سپرده شرکت در مزایده | ۱،۵۸۹،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ |
| شرایط واگذاری[1] | نقد و اقساط به‌صورت ۸۰ درصد نقد و الباقی اقساط ۳ ماهه طی ۳ سال با نرخ ۲۳ درصد سالیانه |

[1] قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب:
۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.

۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به‌نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی‌قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.

۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.

۵- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.

۶- پاکت‌های مزایده در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، نرسیده به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.

۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم(وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر-وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.

۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/کلیه پیشنهادات واصله مختار است.


وزیر امور خارجه:

# توافق «قاهره» در شرایط فعلی کارآیی ندارد

گزارش

> سخنان وزیر خارجه ایران را می‌توان نشانه‌ای از ورود تهران به مرحله‌ی تازه‌ای از بازتعریف روابط خود با آژانس دانست. اگر توافق قاهره تلاشی برای بازسازی اعتماد در سایه تهدید بود، اکنون سخن از مدیریت بی‌اعتمادی در شرایط بازگشت فشار است

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران گفت توافق قاهره دیگر برای وضعیت موجود کارآیی ندارد. این توافق که در فضای پرتنش پس از حملات نظامی به مراکز هسته‌ای ایران و در سایه نگرانی‌های امنیتی امضا شد، اکنون بنا بر اظهارات تازه وزیر امور خارجه ایران دیگر پاسخگوی شرایط جدید نیست و از کارآیی افتاده است. او روز گذشته در نشست رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور اعلام کرد: «توافق قاهره برای وضعیت فعلی کارآیی ندارد و تصمیم جدید ایران درباره نوع همکاری با آژانس به‌زودی اعلام خواهد شد.»

ریشه‌های این تصمیم به سلسله تحولاتی بازمی‌گردد که از زمان حمله پهپادی به تأسیسات هسته‌ای نطنز آغاز شد و به تصویب «قانون الزام دولت ایران به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» در مجلس شورای اسلامی انجامید؛ قانونی که تنها یک روز پس از آتش‌بس میان تهران و تل‌آویو در جنگ ۱۲روزه تصویب شد و در عمل، ترتیبات پیشین همکاری میان ایران و آژانس را از اساس دگرگون کرد. در چنین فضایی، تهران بر این باور بود که ادامه همکاری با آژانس بدون بازتعریف چهارچوب‌های امنیتی و حقوقی، می‌تواند آسیب‌پذیری کشور را افزایش دهد. از همین رو، مجموعه‌ای از مذاکرات فشرده میان ایران و آژانس با میانجی‌گری مصر آغاز شد و سرانجام در قاهره، عراقچی و رافائل گروسی، مدیرکل آژانس سندی را امضا کردند که «شیوه‌نامه همکاری تازه» میان دو طرف محسوب می‌شد.

### تفاهمی بر اساس دغدغه تهران

این توافق اگرچه در ظاهر به تثبیت نوعی توازن شکننده میان تعهدات فنی ایران و الزامات نظارتی آژانس انجامید اما از همان آغاز نیز در بستری شکننده و موقتی شکل گرفت. تصمیم اروپا برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه از جمله نشانه‌هایی بود که یادآور شد این تفاهم دیپلماتیک دیر یا زود دوام نخواهد آورد. اکنون با بازگشت رسمی تحریم‌های شورای امنیت و فعال شدن کامل سازوکار اسنپ‌بک، همان دغدغه‌ای که توافق قاهره بر پایه آن بنا شده بود، یعنی ایجاد ثبات در همکاری‌های فنی در شرایط تهدید، بار دیگر به نقطه آغاز بازگشته است. عراقچی در سخنان خود با اشاره به همین دگرگونی شرایط تأکید کرد «اجرای مکانیسم ماشه همه شرایط را تغییر داده است» و افزود: «چنان که حمله نظامی موجب شد چهارچوب همکاری پیشین قابل تداوم نباشد، اکنون نیز با بازگشت تحریم‌ها و افزایش تهدیدهای سیاسی، توافق قاهره دیگر نمی‌تواند مبنای روابط ایران و آژانس باشد.» او همچنین یادآور شد که در زمان امضای توافق در قاهره، آژانس نیز پذیرفته بود که «به دلیل تغییر شرایط میدانی، نیاز به تعریف چهارچوب جدیدی از همکاری وجود دارد.» اما امروز در وضعیتی که نظام تحریم‌ها دوباره احیا شده و فضای اعتماد متقابل بیش از پیش فرسوده است، همان چهارچوب جدید نیز از نفس افتاده است. سخنان وزیر خارجه ایران را می‌توان نشانه‌ای از ورود تهران به مرحله‌ی تازه‌ای از بازتعریف روابط خود با آژانس دانست. اگر توافق قاهره تلاشی برای بازسازی اعتماد در سایه تهدید بود، اکنون سخن از مدیریت بی‌اعتمادی در شرایط بازگشت فشار است. چنین تغییری می‌تواند مسیر آینده تعاملات هسته‌ای ایران را متحول کند و بار دیگر مسأله نظارت آژانس را به یکی از کانون‌های اصلی چالش میان تهران و غرب بدل سازد.

### آمریکا هیچ شرط غیرهسته ای را به ایران اعلام نکرده است

برش

سید عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران با تأکید بر اینکه «پیام‌هایی به شکل مستقیم، غیرمستقیم یا از طریق واسطه‌ها بین ما و طرف آمریکایی تبادل شده، اما هیچ‌گاه هیچ موضوعی غیر از موضوع هسته‌ای مورد گفت‌وگو نبوده است»، درباره گزارش‌های رسانه‌ای مبنی بر اینکه آمریکا چهار شرط را برای مذاکره با ایران از جمله شروط غیرهسته‌ای گذاشته است، گفت: «شرط هایی که در رسانه‌ها مدعی شدند گذاشته شده، هیچ‌کدام رسماً به ما گفته نشده است. ما در ماه‌های اخیر فقط درباره موضوع هسته‌ای با آمریکایی‌ها صحبت داشتیم؛ البته به‌صورت غیرمستقیم. پیام‌هایی به شکل مستقیم، غیرمستقیم یا از طریق واسطه‌ها بین ما و طرف آمریکایی تبادل شده، اما هیچ‌گاه هیچ موضوعی غیر از موضوع هسته‌ای مورد گفت‌وگو نبوده است.» وی افزود: «در این تبادلات، پیشنهادات ما کاملاً روشن بود و فکر می‌کنیم اگر به پیشنهاد ما توجه می‌شد و فرصت برای دیپلماسی به این شکل از بین نمی‌رفت یا محدود نمی‌شد، دستیابی به یک راه‌حل مذاکره‌شده و دیپلماتیک دور از دسترس نبود. اکنون هم چنین امکانی وجود دارد، به‌شرط آن‌که طرف مقابل با حسن نیت وارد مذاکراتی شود که منافع متقابل طرفین را در برداشته باشد.» عراقچی در ادامه اظهار کرد: «تفاوت شرایط امروز با گذشته این است که یک موضوع جدید به آن اضافه شده است؛ اقدامی که در شورای امنیت انجام دادند. همان‌طور که پیش‌تر گفتم، این اقدام هرگونه مذاکره آینده را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کند و دستیابی به یک راه حل توافق شده را دشوارتر خواهد ساخت.» او با بیان اینکه از نظر ما، نقش دیپلماسی هیچ‌گاه قابل حذف یا نادیده گرفتن نیست، ادامه داد: ما به تلاش‌های خود ادامه خواهیم داد، اما با توجه به تغییر شرایط چه پس از تهدید و حمله نظامی و چه پس از اجرای اسنپ‌بک، مذاکرات آینده قطعاً مانند گذشته نخواهد بود.» عراقچی همچنین در ارتباط با نحوه تعامل ایران با سه کشور اروپایی و آینده تعامل با این کشورها گفت: «سه کشور اروپایی به خیال خودشان اهرمی در دست داشتند، اهرم اسنپ‌بک و تهدید به اجرای آن می‌کردند. حالا این اهرم را به کار گرفتند و نتیجه‌اش را هم دیدند؛ هیچ اتفاقی نیفتاد که بتواند مشکلی را حل کند و صرفاً دیپلماسی را سخت‌تر و پیچیده‌تر کردند.»